

لاریجانی دوباره در شورای عالی امنیت ملی؛

چگونه لاریجانی می تواند بازی را تغییر دهد؟



سرویس سیاسی –هماهنگی و نزدیکی توأم با رهبری و رئیس جمهور به علی لاریجانی قدرت فوق‌العاده‌ای در شورای عالی امنیت ملی خواهد داد،مدیریت واحد و قاطعی که نیاز این روزهاست.با قطعی شدن خبر حضور علی لاریجانی در سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی می توان گفت دوره جدیدی از مدیریت سیاست خارجی و داخلی کشور فرارسیده‌است. واقعیت این است که حالا پرونده هسته‌ای ما پرونده "جنگ" گره خورده‌است و این دو در سیاست داخلی و خارجی چنان به هم متصل است که در شرایط خطر و خاص فعلی جز با مدیریت واحد و قاطع حاکمیتی نمی‌توان گشایشی در امور ایجاد کرد و "علی لاریجانی" دقیقاً مرد این میدان است، هم حمایت و هماهنگی ویژه با رهبری و رئیس جمهور را دارد و هم شناخت و "تجربه" بزرگی از گذشته دارد.سابقه حضور در سپاه هم به شناخت دقیق و کارآمد لاریجانی از این بازاری مهم انقلاب اسلامی کمک می‌کند و هم موجب حمایت بیشتر درون نهادهای انقلابی از علی لاریجانی در این روزهای حساس خواهد شد،بی گمان می توان گفت سخت‌ترین ماموریت زندگی سیاسی علی لاریجانی آغاز شده‌است.

اما اولین دوره دبیری شورای عالی امنیت ملی لاریجانی چگونه گذشت؟
علی لاریجانی در آرت ۲۰۰۵ (مرداد ۱۳۸۴)، با حکم محمود احمدی‌نژاد، به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران منصوب شد. این دوره مصداق بار تشدید تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران بود، زیرا ایران در دولت محمد خاتمی فعالیت‌های غنی‌سازی را به‌صورت داوطلبانه تعلیق کرده بود (بیانیه سعدآباد، ۲۰۰۲)، اما با روی کار آمدن احمدی‌نژاد، این تعلیق لغو شد. لاریجانی در مذاکرات با گروه ۵+۱ (ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه، چین) و به‌ویژه خاورسویان، مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نقش کلیدی داشت.

غری‌ه‌اعلی لاریجانی را چگونه می‌شناسند؟

بر اساس گزارش‌های اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی، عملکرد لاریجانی در این دوره ترکیبی از دیپلماسی محتاطانه، تأکید بر حقوق هسته‌ای ایران، و تلاش برای اجتناب از ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل بود.

برخی نکات کلیدی عبارت‌اند از:

دیپلماسی محافظه‌کارانه و عمل گرایانه، توفیقی که غربی‌ها از علی لاریجانی دارند، لاریجانی در مذاکرات با سولانا، به‌ویژه در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، رویکردی عمل‌گرایانه داشت. او تلاش کرد تا پیشنهادهایی مانند «مدالیت» (طرحی برای راستی‌آزمایی صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)، تلاش‌ها را کاهش دهد. گزارش اندیشکده شورای روابط خارجی (CFR) در سال ۲۰۰۶ اشاره می‌کند که لاریجانی برخلاف احمدی‌نژاد، که مواضع تهاجمی‌تری داشت، به دنبال راه‌حل‌های دیپلماتیک بود. او در مذاکرات ژنو و لیسبون، پیشنهادهایی برای همکاری محدود با آژانس ارائه کرد، اما این پیشنهادها به دلیل عدم حمایت داخلی (به‌ویژه از سوی احمدی‌نژاد) و بی‌اعتمادی غرب به نتایج نرسید. منابع غربی، مانند گزارش‌های مؤسسه بروکینگز (Brookings Institution)، تأکید دارند که لاریجانی با محدودیت‌های داخلی مواجه بود. احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور، مذاکرات هسته‌ای را به‌صورت مستقیم تحت نظارت خود می‌خواست و اغلب بدون هماهنگی با لاریجانی، اظهارات تندیه علیه غرب مطرح می‌کرد. این اختلافات در نهایت به استعفا ی لاریجانی در اکتبر ۲۰۰۷ منجر شد.

مقاله‌ای در ژورنال Foreign Affairs (۲۰۰۷) اشاره می‌کند که لاریجانی در مذاکرات، تلاش کرد تا توازن بین حفظ عزت ملی ایران و اجتناب از تحریم‌های بین‌المللی برقرار کند. اما عدم هماهنگی با احمدی‌نژاد این تلاش‌ها را بی‌ثمر کرد. یکی از انتقادات اصلی به دوره لاریجانی، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در فوریه ۲۰۰۶ است. گزارش اندیشکده کارنگی (Carnegie Endowment for International Peace) در سال ۲۰۰۸، این موضوع را به ترکیبی از سیاست‌های تهاجمی احمدی‌نژاد و ناتوانی لاریجانی در جلب اعتماد غرب به نسبت می‌دهد. با این حال، برخی تحلیلگران، مانند مارک فیتز‌پاتریک در مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS)، معتقدند که لاریجانی در مقایسه با جانشینش، سعید جلیلی، رویکرد منعطف‌تری داشت و اگر حمایت داخلی بیشتری در یافت می‌کرد، ممکن بود از تشدید بحران جلوگیری شود.علی لاریجانی در دوره اول دبیری شورای عالی امنیت ملی موفق شد مذاکرات را برای مدتی طولانی ادامه دهد و از قطع کامل گفت‌وگو‌ها جلوگیری کند. دیدارهای او با سولانا در مسکو و لیسبون، زمینه‌ساز مذاکرات بعدی بود. با این حال، به دلیل فشارهای داخلی و خارجی، مذاکرات به بن‌بست رسید و قطعه‌ما‌های ۱۳۷۲ و ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه ایران تصویب شد، که تحریم‌های اقتصادی را تشدید کرد.

گزارش اندیشکده شورای آتلانتیک (Atlantic Council)

در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷، علی لاریجانی را به‌عنوان یک سیاستمدار عمل‌گرا توصیف می‌کنند. در مقایسه با دیگر چهره‌های اصولگرا، تمایل بیشتری به مذاکره داشت. با این حال، به دلیل نفوذ محدودش در مقابل احمدی‌نژاد، نتوانست به نتایج ملموسی دست یابد و علی لاریجانی، را به‌عنوان یک واسطه بین اصولگرایان تندرو و میانه‌روها معرفی می‌کنند که تلاش کرد با حفظ خطوط قرمز نظام، فضای مذاکره را باز نگه دارد.

چشم‌انداز دومین دوره دبیری لاریجانی در شورای عالی امنیت ملی
با توجه به سادقه قبلی لاریجانی در مدیریت کلان کشور و اوج گیری مجدد اش در ساختار حاکمیت بعد از دو درصالحیت تعجب آور و متوالی، در صورت بازگشت او به دبیری شورای عالی امنیت ملی، رویکردها و اقداماتی از این جنس قابل پیشی بینی است:
تلاش فوری برای مهار برخی تندروی‌های وحدت‌شکن در رسانه ملی و اصلاح و تصحیح خط‌خطرناک فعلی در صداوسیما که کشور و جمهوری اسلامی را فقط یک قشر اندک می‌خواهد و تعریف می‌کند و دقیقاً به همین خاطر باید منتظر موج شدید تخریب از سوی این جریان علیه علی لاریجانی در هفته‌های اخیر بود. در موضوع هسته‌ای، تغییر رویکرد مذاکراتی، کنار گذاشت مذاکرات با اروپا و انداختن طرحی نو در "مذاکره با آمریکا" مثلاً تغییر شکل مذاکره از غیرمستقیم به مستقیم و تعیین و بکارگیری یک سیاست ویژه برای شخص ترامپ در دوره کنونی می‌تواند ابتکار علی لاریجانی باشد.

پیشنهاد طرح‌های گام‌به‌گام برای کاهش تنش‌ها، مشابه «مدالیت» سابق برای ترمیم روابط س‌د ایران و آژانس بین‌المللی انرژی‌اتمی می‌تواند رویکرد دیگر علی لاریجانی در هدایت پرونده هسته‌ای در جایگاه دبیری شورای عالی امنیت ملی باشد.امکان منحنی، ایجاد و تثبیت و اجرای نگاه واقعا استراتژیک به چین و روسیه در شرایط کنونی می‌تواند از جمله راهبردهای لاریجانی در تعریف امنیت ملی در شرایط کنونی باشد. کاملاً قابل پیش‌بینی است که دوره حضور علی لاریجانی در شورای عالی امنیت ملی به حکم مستقیم رهبری قانونی اجرائی خواهد شد، شاهد تقویت و مانور بیشتر جایگاه شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان مرجع اصلی تصمیم‌سازی خواهیم شد. در ش‌وا عالی امنیت ملی که لاریجانی دبیر آن باشد، قطعا سوپرا انقلابی‌ها در اقلیت قرار خواهند گرفت.

سیاسی

چاره کار از نگاه «مصطفی معین» سیاستمدار کهنه کار؛

نخبگان واقعی به جای سیاسی کاران ناکار آمد

■ در ساختار کنونی، دولت‌ها صرفاً "تبدیل به "مسئول توجیه شکست" می‌شوند. یک پزشک اگر در اتاقی بدون ابزار، بدون اختیار و با دستور نسخه دارویی از بیرون بخواهد طبابت کند تنها می‌تواند شاهد پیشرفت بیماری و مرگ بیمار باشد.



بیشتر با دولت و مشارکت در اداره دانشگاه و امور کشوری تقویت می‌کند.

با توجه به اینکه احیای سیاست تنش‌زدایی در دولت پزشک‌بان به یکی از مطالبات جدی جامعه تبدیل شده، به‌ویژه در حوزه برجام و مذاکرات، فکر می‌کنید اسپن دولت چه میزان اختیار و اراده برای بازگرداندن ایران به مسیر تعامل سازنده با جهان دارد؟

چه موانع ساختاری پیش‌روی او قرار دارد؟
در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴، یکی از شعارهای محوری من، "دموکراسی برای ایران و صلح برای جهان" بود. یعنی بازگشت به مردم، با به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی تصریح شده در قانون اساسی و اعلامیه‌جهانی حقوق‌بشر، که زمینه‌سازافزایش سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری و مقاومت ملی در برابر هرگونه باج‌خواهی و تجاوز خارجی، و پیشبرد راهبرد صلح با جهان خواهد بود.

راهکارهای مختلف تنش‌زدائی و تعامل سازنده با جهان، مسئولیت‌مهم دولت‌با هماهنگی و حمایت‌سایر قوای کشور است که مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود:
۱. دیپلماسی فعال و مؤثر و حضور در تحولات منطقه‌ای و جهانی فارغ از جناح‌پندی‌های سیاسی و بدون دخالت غیرقانونی بخش‌های نظامی و عناصر غیرمسئول
۲. حضور مؤثر در سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
۳. توسعه همکاری‌های علمی، تکنولوژیک و اقتصادی بین‌المللی، با ایجاد روابط دانشگاهی و تجاری مستقیم و پایدار منطقه‌ای و جهانی
۴. ترویج و تبادل فرهنگ، با تشویق تبادلات فرهنگی، گردشگری، و آموزشی بین مردم کشورها

برای تقویت مومع متقابل و کاهش سوء تفاهات‌ادر طرف مقابل، فتح ساختاری تنش‌زدائی در سیاست خارجی توسط دولت را بنیاد فراموش کرد.
موافعی مانند فضاسازی حلقه‌سخت‌افراطیون داخلی، فعالیت مخرب نفوذی‌های رژیم اشغالگر فلسطین در داخل و خارج، تخریم‌های ظالمانه اقتصادی، تداخل‌های مسئولیتی دولت و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی موازی، و نیز وجود نفو‌ات‌های فرهنگی و سیاسی بین کشورها که تعاملات بین‌المللی را محدود می‌کند.

پس از سسال‌ها تجربه‌های شکست‌خورده با تکیه بر نگاه‌های افراطی، به نظر شما آیا فرصت شکل‌گیری یک اجماع ملی برای نجات ایران فراهم شده است؟

و آ یا اصلاح‌طلبان در جایگاهی هستند که بتوانند این اجماع را نمایندگی یا رهبری کنند؟

امکان اجماع ملی بر منافع بلندمدت کشور وجود دارد، مشروط به اینکه زمینه‌های داخلی و خارجی آن ازسوی دولت و سایر بخش‌های نظام به‌تدریج وجود آید و تقویت شود.در امور داخلی: انتظار عمومی برای تجدیدنظر حکومت در سیاست‌های افراطی چون ایجاد محدودیت‌های سیاسی – اجتماعی و میدان ندان به جوانان و مخالفان، محدود ساختن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، مبارزه واقعی با ریشه‌های فساد و برچیدن اقتصاد رانتی وجود دارد.همچنین آگاهی رو به افزایش جامعه و مطالبه‌ی تغییرات ساختاری از سوی فعالان سیاسی و مدنی، تحت تاثیر آزمون و خطاهای سه دهه اخیر دولت‌ها و ناکامی در سیاست‌های پرهزینه‌ای چون غنی‌سازی هسته‌ای، انجام اقدامات تنش‌زا در خارج و یا حضور نظامی ایران در سطح منطقه طسّ دهه‌های اخیر، زمینه‌های شکل‌گیری اجماع عمومی بر خواسته‌های ملی و مشترک را تقویت کرده‌است. البته موانع و محدودیت‌هایی نیز در جهت تبدیل اراده جمعی به اجماع عملی وجود دارد که از جمله آن‌ها است: مقاومت ساختار متمرکز و سخت‌د‌ر قدرت در برابر هرگونه تغییر، یا مراجه به آرای مستقیم مردم در مسائل حیاتی کشور، فقدان احزاب سیاسی و نهادهای مدنی تاثیرگذار که واسطه‌ای بین حکومت و جامعه باشند، پائین بودن سطح اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی که خود را در شکاف‌های عمیق میان ملت و حاکمیت‌در بر گروه‌های سیاسی و اپوزیسیون‌نشان‌می‌دهد.ایفای نقش تاثیرگذار طبق‌های تحول‌خواه و مردم‌محور اصلاح‌حان‌بنظروا ایجاد و تقویت همبستگی و اتحاد و اجماع ملی، هم مشروط است به بازنگری جدی آن‌ها در رفتار گذشته خود، داشتن مرزبندی مشخص با عوامل ظلم و فساد، جلب اعتماد عمومی و هم‌سوئی بیشتر با خواسته‌های آن‌ها است. توانائی گفت‌وگو با هر دو سوسی ماجرا، یعنی با دولت و با جامعه مدنی، گفت‌وگو و حضور گسترده در نهادهای جامعه مدنی

به مراجعه مستقیم به آرای مردم اشاره کردید. کمی بیشتر توضیح می‌دهید؟

در موقعیت بحرانی کنونی که هنوز خطر جنگ و تجاوز جدید به کشورمان ادامه دارد، از نظر اینجانب مراجعه به آرای مستقیم ملت مثلاً" به‌منظور رفع بن‌بست مسئله غنی‌سازی هسته‌ای امری امکان‌پذیر و معقول است و می‌تواند پشتوانه‌ای استوار، آبرومندانه و باکم‌ترین هزینه برای کشور در فرآیند مذاکره با آمریکا و اروپا باشد. توجه دارید که دشمنان تجاوزگر حکومت را بین دو گزینه تسلیم و یا بتن دادن به جنگ و... قرار داده‌اند، اما انتخاب نهائی با ملت ایران است. نتیجه هر چه باشد بانمایش چهره‌ای مردمی، دموکراتیک و مترقی از کشور، پشتیبانی افکار عمومی جهان از مواضع ایران را برخواهد انگیزت.

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴، ۱۰م‌اصفر ۱۴۴۷، ۴۰ آگوست ۲۰۲۵، شماره ۴۷۶۰، صفحه ۷

چرا سفر پزشک‌بان به پاکستان اهمیت زیادی دارد؟



سرویس سیاسی –استاد ژئوپلیتیک دانشگاه با اشاره به اهمیت سفر رئیس‌جمهور به پاکستان، گفت که تقویت همکاری‌های دو‌جانبه اقتصادی، سیاسی، نظامی و مبارزه با تروریسم باید در جریان این سفر به‌طور جد مورد توجه قرار گیرد. «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در رأس هیات بلندپایه اقتصادی و سیاسی و به‌منظور دیدار و گفت‌وگو با مقامات ارشد پاکستان، به این کشور سفر کرده‌است. طبق گزارش‌ها، این سفر نقطه عطفی در تعمیق بیش از پیش روابط دیرینه و ریشه‌دار ایران و پاکستان خواهد بود و به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه پایدار و صلح و ثبات کمک خواهد کرد. پزشک‌بان پیش از ترک تهران به مقصد پاکستان، به‌دلیل نداشتن ویزا، ابتدا پاکستان به‌عنوان کشور همسایه ۱۰ میلیارد دلار از تقاضا به. به‌گفته رئیس‌جمهور، در جریان این سفر مسائل امنیتی و مرزی نیز دنبال خواهد شد.

سطح روابط اقتصادی ایران و پاکستان، مورد رضایت و مطلوب نیست
عبدالرضا فرجی‌راد «استاد ژئوپلیتیک دانشگاه در تحلیل خود از سفر رئیس‌جمهور به پاکستان گفت: جمهوری اسلامی ایران همواره روابط خوبی با پاکستان داشته است، چه قبل از انقلاب و یا بعد از آن و حتی در مواردی که در منطقه برخی از کشورها دخالت می‌کردند، این روابط حفظ شده و به‌طور کلی خوب بوده‌است اما انتظار بیش از این‌هاست، زیرا پاکستان به‌عنوان کشور همسایه و جمعیت ۲۵۰ میلیون نفری که حدود سه برابر جمعیت ایران است، می‌تواند در همکاری‌های اقتصادی نقش مهمی داشته باشد. وی تصریح کرد: متأسفانه سطح روابط اقتصادی ما با توجه به جمعیت دو کشور مورد رضایت و مطلوب نیست و اکنون که ما در شرایط تحریمی هستیم و شاید بعد از مکانیسم ماشه تحریم‌ها افزایش هم داشته‌باشی، می‌توانیم با برداشتن برخی از تعرفه‌ها همکاری گسترده‌ای را با یکدیگر رقم بزنیم. این دیپلمات پیشین ایران افزود: مانند آنچه در غرب کشور انجام شده، در شرق نیز پیگیری کنیم، مثل بازارچه‌های مرزی و یا اقداماتی برای رفت و آمد توریست‌ها که می‌تواند رشد خوبی را در توسعه همکاری‌ها و ویژه در بخش اقتصاد داشته باشد. همچنین مساله انتقال گاز از ایران به پاکستان نیز از دیگر محورهای است که باید مورد توجه قرار گیرد. سال‌هاست در این مساله کار انجام شده و تا نزدیک مرز نیز پیش رفته و اگر صادرات صورت گیرد، بهتر خواهد بود.

پاکستان حد واسط چین و ایران قرار گرفته است

فرجی‌راد در ادامه اظهار داشت: آنچه در این سفر از اهمیت برخوردار است، روابط استراتژیک پاکستان با چین است. چین قول سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیارد دلاری را داده که تاکنون یک پنجم آن در بندر گوادر انجام شده از آن طرف ایران هم با چین رابطه گسترده‌ای دارد و پاکستان حد واسط دو کشور چین و ایران قرار گرفته‌است و در زمانی که تحریم‌ها شدت پیدا کرد، این امر می‌تواند کمک‌کننده باشد. وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو یادآور شد: ما همواره سعی کردیم رابطه متعادلی بین هند و پاکستان داشته باشیم اما دیدیم که در جنگ ۱۲ روزه پاکستان حمایت خوبی از ایران داشته و سفیرشان در شورای امنیت دوبار به خوبی سخنرانی کرد اما از آن طرف هندی‌ها تنها محکوم نکردند بلکه به‌نوعی خبرهایی را منتشر کردند. مشخص است که هند یک استراتژی به اسرائیل می‌دهد... لذا همه این مسائل باعث شده این سفر از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

باید همکاری‌های اقتصادی و نظامی با پاکستان را افزایش دهیم

استاد ژئوپلیتیک دانشگاه همچنین اظهار کرد: در جریان جنگ کو‌تاهی که میان هند و پاکستان افتاد، پاکستان با اینکه کوچکتر از هند است و بودجه دفاعی کمتری دارد اما با توجه به همکاری با چینی‌ها دیدیم که از نظر هوایی قدرت بیشتری را به هند نشان داد. بنابراین ایرانی‌ها نوعی تمایل به پاکستانی‌ها نشان داده‌اند اما باید در زمینه سیاسی روابط گسترده داشته باشیم و علاوه بر آن همکاری‌های خود را در ابعاد مختلف اعم از اقتصادی، نظامی نیز افزایش دهیم. فرجی‌راد همچنین افزود: همکاری دیگر میان ایران و پاکستان در زمینه مبارزه با تروریسم است. ما در بلوچستان خودمان با این مساله مواجه هستیم که تروریست‌ها به مراکز دولتی حمله می‌کنند و در پاکستان نیز همین طور است، بنابراین، این دو منطقه به یکدیگر متصل هستند و تروریست‌ها در این منطقه رفت و آمد دارند، لذا همکاری دو کشور از نظر نظامی و اطلاعاتی می‌تواند به کاهش تروریسم کمک کند و به نفع دو کشور خواهد بود. وی در پایان با تأکید بر تقویت و گسترش روابط اقتصادی میان ایران و پاکستان اظهار داشت: سطح روابط اقتصادی ما با عراق در حدود ۱۰ میلیارد دلار است چرا ایران این میزان را با همسایه شرقی نداشته باشد! لذا این مسائلی است که باید به آن توجه شود.

ناکارآمدی وزارت نیرو در برق و آب ضرورت استیضاح وزیر را بیشتر کرد

سرویس سیاسی –یکی از امضاکنندگان طرح استیضاح وزیر نیرو، با اشاره به ضعف‌های جدی در مدیریت وزارت نیرو به‌ویژه در بخش‌های برق و آب، تأکید کرد که این ناکارآمدی‌ها ضرورت پیگیری طرح استیضاح وزیر را بیش از پیش افزایش داده‌است. مهرداد لاهوتی، یکی از امضاکنندگان طرح استیضاح وزیر نیرو در‌باره این طرح، با بیان اینکه علیرغم شخصیت باخلاق وزیر نیرو، اما در طول دوره مسئولیتی‌ی چالش‌های جدی و مکرری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه برق، آب آشامیدنی و تأمین آب کشاورزی مشاهده شده است، گفت: طی این مدت، هیچ بهبودی در این حوزه‌ها به چشم نمی‌خورد.

وی در تشریح مشکلات حوزه برق اظهار داشت: با وجود آنکه در فصل زمستان، مصرف برق کشور حدود ۴۰ هزار مگاوات است که تقریباً معادل ۴۷ تا ۴۸ درصد ظرفیت تولیدی است، باز هم خاموشی‌هایی رخ داد. این مسئله قابل توجه نیست. اکنون که فصل تابستان و زمان اوج مصرف برق است، شرایط وخیم‌تر شده است. اگر در سال‌های گذشته با مدیریت صرف در کارخانجات و ادارات امکان کنترل مصرف وجود داشت، ا‌مسال از ابتدای فروردین ماه شاهد خاموشی‌های گسترده‌ای بوده‌ایم که جای تأمل دارد. لاهوتی همچنین در خصوص وضعیت آب آشامیدنی تصریح کرد: استان گیلان با متوسط بارندگی سالانه حدود ۱۱۱۰ میلیمتر نباید با مشکل کمبود آب آشامیدنی مواجه باشد، اما همچنان این مسئله پابرجاست. همچنین در تهران و برخی استان‌های دیگر ضعف‌های مدیریتی در تأمین آب آشامیدنی مشهود است. وی افزود: مصرف سالانه آب آشامیدنی کشور حدود ۹ تا ۹ میلیارد مترمکعب است، در حالی که مدیریت تأمین آب کشاورزی نیز بر عهده وزارت نیرو است. مصرف آب کشاورزی کشور حدود ۸۲ میلیارد مترمکعب است که باید به حدود ۲۵ میلیارد مترمکعب کاهش یابد. این موارد از جمله دلایل اصلی تدوین طرح استیضاح وزیر نیرو بوده است.

لاهو‌تی در پایان تأکید کرد: اکنون پس از گذشت یک سال از آغاز مسئولیت وزیر، باید دید چه تحولاتی در این حوزه‌ها رخ خواهد داد.

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرغه و منزل تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰